

نامه سرگشاده به برادران

«قرآنی» نام!..

بقلم:

دکتر علیرضا دلیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

فهرست مطالب

| | |
|--------------------------------------|----|
| دریچه..... | ۴ |
| سنت از زبان قرآن..... | ۱۱ |
| سخن پیامبر وحی الهی است!..... | ۱۱ |
| اطاعت از سنت شرط ایمان است!..... | ۱۳ |
| اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست!..... | ۱۴ |
| انکار سنت مایه خشم خداست!..... | ۱۶ |
| امت و پیروی از سنت!..... | ۱۷ |
| حدیث و قرآن شانه به شانه!..... | ۱۸ |
| جایگاه سنت در دین..... | ۱۹ |

دریچه

با شدت گرفتن روند تشیع صفوی در جامعه ایران، و قدرت یافتن غالیان شیعه، و کنار رفتن بسیاری از پرده‌ها و روی آب آمدن بسیاری از واقعیتها، حقانیت تلخ شرک آلودی که در کتابهای تشیع نهفته است، و صفوی مشربان از ظاهر کردن آن شرم داشتند، یکی پس از دیگری به بازار کاسبان مذهب اضافه می‌گردد..

در حالی که دنیا سخن از جهانی شدن و تضادهای فرهنگی می‌زند، و چشمها به جلو حرکت می‌کند، جامعه ایران طبل امام زمان به گردن آویزان نموده با فاحشه‌گری و بی‌بندوباری و قبرپرستی و انبوه کینه و حقد و فتنه‌افروزی و تبعیض نژادی و نظام طبقاتی و تقدس‌مآبی عمامه‌داران با سرعت سرسام‌آوری بسوی باتلاق خزعبلات و خرافات در حرکت است...

البته در مقابل این چهره تار، و این عار فکری که تاریخ ایران با آن دست به گریبان است، چهره‌ی نورانی مردان و جوانان روشنفکر و فرهنگیان بیدار و آگاه است که از زیر بار خرافات رسته، در سایه تعالیم قرآن از قبرها فرار کرده سرسجده در مقابل پروردگار یکتا به زمین نهاده‌اند.. درخت توحید روز بروز تنومندتر شده، شاخ و برگهایش به تمامی شهرها و روستاهای کشور رسیده است..

در گیر و دار انتقال از سرزمین باورهای شرک‌آمیز تشیع صفوی تا رسیدن به کعبه توحید ابراهیمی مسیری است طولانی. اگر دیروز مشرک قریشی با بر زبان راندن کلمه شهادت به آغوش اسلام می‌پیوست، امروز عقلی که در لانه عنکبوتی صفویت بافته شده، نیاز به زمان دارد تا بتواند از گیر و دار تارها و باورهای خرافاتی نجات یابد. چون او امروز بتهایی که واسطه خدا و بنده بودند را کنار نمی‌زند تا به خدای واحد برسد،

بلکه امروز او از باورهای دروغین محبت رسول و آل رسول ساختگی بسوی رسول و آل رسول واقعی - صلی الله علیه و آله وسلم - می آید، سفری از افسانه به حقیقت و از بدعت‌های ریشه‌دار به سنت ناشناخته جلوی روی اوست...

در وسط این نقل و انتقال با گروهی برخورد می‌کنی که در ایران بدانها «قرآنی» می‌گویند. نیمی از چهره‌هایشان که قرآن بر آن تأییدن گرفته و چرکهای صفویت را از آن زدوده بسیار روشن و تابان است، ولی نیم چهره دیگرشان همچنان غبارآلود است!!

همیشه به برادران موحد و یکتاپرست ایرانی خود توصیه می‌کردم با این تازه نفسهایی که در مسیر راه توقف کرده‌اند، و در حال فرار از سرزمین افسانه‌ای محبت دروغین اهل بیت هستند به نرمی برخورد کنید، و به جای آنکه به آنها بتازید دست شفقت و مهر و دلسوزی به رویشان کشید، و از آب زلال زمزم توحید که در کنار کعبه ابراهیمی است به آنها بنوشانید. هرگز با آنها تنش ایجاد نکنید که آنها در راهند، اگر امروز نرسند فردا به حقیقت خواهند رسید. چرا که اینان جرأت و توان شکستن زنجیر تقلید مذهب صفویت را از گردن خود داشته‌اند، و این جرأت و مردانگی آنها را به سر منزل سعادت خواهد رسانید، و روزی درخواهند یافت که شهادت به خداوند را گواهی به صدق رسالت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - نیز همراهی می‌کند، و قرآن از زیر زمین نروئیده؛ بلکه آنرا پیامبری آورده است، و کلمه شهادت و کلید دخول به اسلام از دو بخش تشکیل شده:

۱. «أشهد أن لا إله إلا الله» - گواهی و شهادت می‌دهم که هیچ

معبودی نیست مگر خدای یکتا..

۲. «وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» - و گواهی و شهادت می‌دهم که

محمد رسول و فرستاده الله است..

پس محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) رسول و فرستاده خداست تا نه تنها کتاب خدا را به ما برساند - که این را جبریل هم می‌توانست انجام دهد - بلکه آن کتاب را به ما بفهماند، و آن کتاب را در زندگی خود تطبیق دهد، و ما با دیدن او - کتاب با نمایش زنده - آیات کتابی که در صفحات نگاشته شده را به درستی درک کنیم. تا چشم ببیند آنچه را گوش می‌شنود..

به عبارتی واضحتر پیام الهی عبارت است از؛ پیک و نامه همراه!

نه رسول به تنهایی! و نه قرآن به تنهایی!..

گویا رسول هدایتی که در تعریف موحدان ایران زمین فرموده، گهرباری که به ایشان نسبت داده می‌شود را ورد زبان داریم؛ «اگر این دین در آسمانها می‌بود مردانی از سرزمین فارس بدان می‌رسیدند!»! پرده غیب الهی بدو چهره دیگری از مردان فارس را نیز نشان داده بود، آنانی که در منتصف راه جای خوش می‌کنند و خود را «قرآنی» می‌نامند!

پیام آور توحید، حضرت خاتم - علیه الصلاة والسلام - آنها را چنین تصویر می‌کنند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُوشِكُ الرَّجُلُ مُتَّكِنًا عَلَى أَرِيكَتِهِ يُحَدِّثُ بِحَدِيثٍ مِنْ حَدِيثِي فَيَقُولُ: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَلَالٍ

اسْتَخْلَلْنَاهُ وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَرَامٍ حَرَّمَاهُ إِلَّا وَإِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ». (حدیث صحیح، به روایت ابن ماجه)

(بزودی فردی پیدا می شود که مغرورانه بر مبلهای خود تکیه داده، حدیثی از احادیث من برایشان روایت می شود، او می گوید: بین ما و شما کتاب خداوند متعال قرار دارد؛ هر آنچه از حلال در قرآن بیابیم آنرا حلال می دانیم، و آنچه را در قرآن حرام بیابیم، حرام می گیریم. ای مردم، آگاه باشید که هر آنچه را رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - حرام کرده است دقیقا چون آن چیزی است که خداوند حرام کرده باشد!)
سنت و راه و رسم زندگی پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - و فرامین شرعی آن حضرت در نزد مسلمانان همواره همراه و هم پایه قرآن کریم بوده است.

اما رد فعلی که امروزه در کشور ما در بین دوستان **قرآنی نام** (!) بوجود آمده در حقیقت برمی گردد به تصور این عزیزان از سنت و حدیث. اینها از یک تجربه بسیار تلخ رنج می برند. تجربه حدیث و روایت در مذهب تشیع!

در مذهب شیعه که اساسش بر پایه روایت ها و احادیث ساختگی بنا شده، کمتر حدیث و روایتی است که با سند و مدرک درست بتوان حقیقت آن را ثابت کرد. بیشتر قریب به اتفاق احادیث و روایات تشیع ساختگی بوده، در سند آنها افرادی مکار و دروغگو که ائمه آنها را لعن و نفرین نیز کرده اند وجود دارد. بخصوص احادیث و روایات مذهب صفوی حاکم بر ایران که خلاصه و چکیده چرکهای جمیع مذاهب تشیعی است که در تاریخ شیعه سر بیرون آورده اند و در زباله دان تاریخ برای همیشه

دفن شده‌اند. احادیث و روایات ساختگی آن مذهبی که شیعه اثناعشری آنها را تکفیر می‌کند امروزه بر سر زبانهای مذهب‌سازان معاصر تشیع قرار گرفته است!

این به اصطلاح قرآنیها با این تصور از روایات تاریخی به احادیث مسلمانان که در کتابهای معتبر حدیث تدوین شده می‌نگرند.

باری با آخوندی که در نیمه راه هدایت ایستاده، خود را قرآنی می‌نامید، روی این قضیه سخن به میان آمد. ایشان پس از یک سلسله بحث و بررسی به اهمیت حدیث پی‌بردند. ولی دو پا در یک کفش کردند که باید کتابهای حدیث دوباره مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به ایشان گفتم که کتابهای حدیث نه دوباره بلکه صدها بار مورد مراجعه قرار گرفته و همچنان کار در جریان خواهد ماند تا بروز قیامت. ولی بدانکه شخصیهایی چون امام بخاری و امام مسلم و دیگران شروط و ضوابط و قوانینی بسیار سخت‌تر از هر آنچه به ذهن شما خطور می‌کند برای بررسی احادیث و قبول روایات از رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - گذاشته بودند، و بسیاری از احادیثی که امروزه در اختیار مسلمانان قرار دارد در زمان خود پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - توسط شاگردان آن پیک آسمان در محضر آن حضرت نوشته شده، و بسیاری دیگر توسط صحابه و یاران آن حضرت جمع‌آوری شده است. اما اینکه حدیث در اواخر ایام صحابه و توسط تابعیان جمع‌آوری شده به معنای گردآوری به شکل گسترده و تدوین در کتابهای مخصوص این فن است.

اگر در این زمینه بخواهیم بحث کنیم سخن به درازا می‌کشد، و تنها حکایت جمع‌آوری حدیث و اهتمام به جمع‌آوری احادیث درست و ثابت از پیامبر اکرم - صلی

الله علیه وآله وسلم - نیاز به چندین مجلد کتاب دارد که در کتابخانه اسلامی در این باره دهها کتاب نوشته شده است.

از آن جمله می‌توان به کتابهای زیر مراجعه کرد:

- تاریخ حدیث و ضبط و ثبت احادیث اثر عبدالله احمدیان
(<http://www.aqeedeh.com/book/۴۲۴/>)
- سنت در گذرگاههای تاریخ اثر محمد سلیم آزاد
(<http://www.aqeedeh.com/book/۲۱۰/>)
- سنت و جایگاه آن در شریعت اسلامی اثر مصطفی سباعی
(<http://www.aqeedeh.com/book/۶۵۵/>)
- نگاهی به اعتبار و جایگاه سنت اثر عبدالغنی عبدالخالق
(<http://www.aqeedeh.com/book/۶۵۲/>)
- جایگاه و منزلت سنت در اسلام اثر آلبانی
(<http://www.aqeedeh.com/book/۷۵۹/>)
- منزلت سنت در اسلام اثر حسین تاجی گله‌داری
(<http://www.aqeedeh.com/book/۱۳۴/>)
- جایگاه سنت در قانونگذاری اثر سباعی
(<http://www.aqeedeh.com/book/۶۷۷/>)

تنها برای روشن شدن اهمیت و جایگاه سنت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - و احادیث ایشان و اهمیت آنها در فهم قرآن کریم و جایگاه آنها در بنیانگذاری و اساس دین به خود قرآن مراجعه می‌کنیم تا دریابیم نظر قرآن که دوستان نام آنرا بر خود شرف می‌دانند در این زمینه چیست؟ و گمان نمی‌کنم عزیزان سخنی از قرآن را

زیر پا بگذارند که خدای ناخواسته اگر چنین کنند، چه فرقی خواهد بود بین آنها و بین شیعه صفوی که از آن فرار کرده‌اند؟!

سنت از زبان قرآن

سخن پیامبر وحی الهی است!

۱- قرآن کریم می گوید: سخن پیامبر وحی الهی است، و پیامبر هر آنچه می گوید برگرفته از وحی خداوند است، و وحی او را زیر نظر دارد، اگر چنانچه حرفی مخالف با واقعیت شرعی از او سرزند بلا فاصله وحی او را تصحیح می کند. پس سخن پیامبر را بپذیرید و به آنچه می گوید عمل کنید که هیچ فرقی بین مصدر قرآن و سنت الهی نیست، هر دو از خورشید تابان وحی سرچشمه می گیرند، و اساس شریعت اسلامی بر هر دو بنا شده است:

أ) ﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۖ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۚ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۱ - ۴] «قسم به ستاره چون فرود آید * که صاحب شما (محمد مصطفی) هیچ گاه در ضلالت و گمراهی نبوده است. * و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید * سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست».

ب) ﴿إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ [الأنعام: ۵۰] «من پیروی نمی کنم جز آنچه را که به من وحی می رسد».

ت) ﴿...وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۳] «و خدا به تو این کتاب (قرآن

مجید) و **حکمت (سنت)** را عطا کرده و آنچه را که نمی‌دانستی به تو بیاموخت، و خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی‌اندازه است».

حکمت در بیشتر آیات قرآنی به معنای سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله و سلم - آمده است. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [الجمعة: ۲] «اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب (قرآن) و **حکمت (سنت)** بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند».

و در سوره بقره: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۹] «پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی».

خود پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بارها می‌فرمودند: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ، وَمَثَلُهُ مَعَهُ»: (ابوداود) - بدانید که خداوند به من قرآن و مثلش را داده

اطاعت از سنت شرط ایمان است!

۲- قرآن کریم قبول کردن سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - را یکی از ارکان و پایه‌های اساسی ایمان برشمرده است. قبول هر آنچه از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - آمده دلیلی است بر صحت ایمان، در غیر اینصورت ایمان فرد ناتمام است. درست چون کسی که نیمی از شهادت (أشهد أن لا إله إلا الله) را بپذیرد و از نیم دیگر آن که (أشهد أن محمدا رسول الله) باشد چشم‌پوشی کند:

أ) ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيْ

أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵] «به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در وجودشان هیچ دل‌تنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و به طور کامل تسلیم شوند».

ب) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ

فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹] «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز]

از پیامبر اطاعت کنید، و همچنین از صاحبان امر خودتان. و اگر درباره

چیزی نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان

دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است».

اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست!

۳- و در بیش از ۵۰ آیت قرآن کریم به صراحت مؤمنان را دستور می‌دهد تا از خداوند و از پیامبرش پیروی کنند، و طاعت و فرمانبرداری از پیک آسمان - صلی الله علیه و آله وسلم - مرادف با طاعت و فرمانبرداری خداوند متعال شمرده می‌شود. از آن جمله است:

ا) ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا﴾

[النساء: ۸۰] «هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم».

ب) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [النساء:

۵۹] «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر اطاعت کنید. و همچنین از صاحبان امر خودتان ...».

امام ابن کثیر می‌گویند: اطاعت از پیامبر همان پیروی از سنت اوست.

البته با دقت در این آیه مبارکه متوجه می‌شویم که فعل امر «اطاعت کنید» (اطیعوا) برای خداوند متعال و پیامبر تکرار شده است. و این تکرار فعل امر از

نظر بیان عرب دلالت بر استقلالیت و شمولیت آن دارد. به این معنا که اطاعت از پروردگار و اطاعت از پیامبر بصورت مطلق و همیشگی و غیر قابل بحث و بررسی و چون و چراست. در حالیکه عطف (اولی الامر) بر اطاعت پیشین به این اشاره دارد که اطاعت از سران و صاحبان امر تنها در مواردی که در آن اطاعت از خداوند و پیامبر باشد جایز است. در غیر اینصورت بر هیچ مخلوقی جایز نیست که در آنچه نافرمانی خدا و رسول در آن است از بندهای دیگر فرمان ببرد!

ت ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿٦٦﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾ ﴿٦٦﴾

[آل عمران: ۳۱-۳۲] «بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است * بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدند [بدانند که] یقیناً خدا کافران را دوست ندارد».

انکار سنت مایه خشم خداست!

۴- قرآن سرپیچی از دستورات و فرامین و سنت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - را موجب خشم و عقاب الهی برمی شمرد، از فرموده‌های قرآن:

ث) ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳] «دعوت پیامبر را در میان خود مانند دعوت بعضی از شما از بعضی دیگر قرار ندهید، خدا کسانی از شما را که برای [بی‌اعتنایی به دعوت پیامبر] با پنهان شدن پشت سر دیگران آهسته از نزد او بیرون می‌روند می‌شناسد. پس باید کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، برحذر باشند از اینکه بلایی [در دنیا] یا عذابی دردناک [در آخرت] به ایشان رسد».

ج) ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا﴾ [النساء: ۸۰] «هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم».

امت و پیروی از سنت!

۵- و یادمان نرود که امت اسلامی از روز نخست که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - در میان یارانش قرآنی بود که با دو پا راه می‌رفت، و پس از وفاتش و تا به امروز بر اهمیت سنت و عمل به آن و پیروی از آن اتفاق نظر دارد، و جز این چند تنی که در میانه راه مانده‌اند هیچ کسی در جایگاه سنت شکی نداشته و ندارد. زیرا امت همیشه در می‌شنید که قرآن می‌گوید:

ا) ﴿...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷] «... آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است».

ب) ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۵۴] «بگو: خدا را [در همه امور] اطاعت کنید و این پیامبر را نیز اطاعت کنید؛ پس اگر روی بگردانید [زیانی متوجه پیامبر نمی‌شود، زیرا] بر او فقط آن [مسئولیتی] است که بر عهده‌اش نهاده شده و بر شما هم آن [مسئولیتی] است که بر عهده شما نهاده شده است. و اگر او را اطاعت کنید هدایت می‌یابید. و بر عهده این پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست».

ت) ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱] «یقیناً برای شما در
[روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به
خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می کند».

حدیث و قرآن شانه به شانه!

حدیث پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - همانطور که اشاره شد، در ترتیب
قانونگذاری همراه و همگام با قرآن کریم است. برای درک حکم شریعت ما اول در
قرآن جستجو می کنیم، اگر حکم ثابت و واضحی نیافتیم فوراً به سنت رجوع می کنیم،
دقیقاً همان چیزی که رسول خدا یاران و شاگردانش را بر آن تربیت می کرد.

آن حضرت چون معاذ بن جبل رضی الله عنه را به عنوان قاضی به سوی یمن گسیل داشتند، از
او پرسیدند چگونه حکم می کند. ایشان گفتند: بر اساس آنچه در کتاب خداست
قضاوت می کنم. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - پرسیدند: اگر در کتاب خدا
نبود؟ ایشان گفتند: به سنت رسول خدا رجوع می کنم. پیامبر پرسیدند: اگر در سنت
رسول خدا نیافتی؟ ایشان گفتند: با دقت و تیزبینی اجتهاد می کنم! پیامبر خوشحال شده
فرمودند: سپاس خدای را که پیک رسول خدا را بدان چیزی توفیق داد که مایه
خوشنودی رسول خداست.

جایگاه سنت در دین

حال بصورتی فشرده و گذرا به نقش سنت و علاقه مباشر آن با قرآن کریم اشاره می‌کنیم تا اهمیت سنت و جایگاه آن بیشتر برای دوستان روشن گردد:

۱- قرآن کریم در بسیاری موارد احکام شریعت را بصورتی مجمل بیان می‌کند، و این سنت پیامبر خداست که تفصیل و شرح آنها را بیان می‌دارد: مثلاً قرآن بصورت اجمالی می‌گوید: نماز بر پا دارید، زکات بدهید، روزه بگیرید، و...

این سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - است که به ما نحوه نماز خواندن، و تعداد رکعات و وقت‌های پنجگانه آن، و سایر تفصیل نماز و روزه و زکات و سایر معاملات را می‌آموزاند. پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (بخاری) - نماز بر پا دارید درست بصورتی که مرا دیدید که نماز می‌خوانم -

ابن مبارک آورده است: روزی مردی به صحابی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم؛ عمران بن حصین روی کرده گفت: تنها از قرآن برای ما بگو، و از سنت هیچ برایمان نگو! آن صحابی از کوچکی عقل آن مرد حیرت زده شده به او گفت: **واقعاً تو مرد احمقی هستی!** آیا در کتاب خدا دیده‌ای که نماز ظهر چهار رکعت باشد و در آن با صدای پست قراءت بخوانی؟!

سپس در مورد نماز و زکات و مواردی دیگر نیز چنین گفت، سپس به او گفت: آیا تفصیل و شرح اینها را در کتاب خدا می‌یابی؟! کتاب خدا بصورت اجمالی بیان داشته و سنت پیامبر خدا آنرا شرح داده است^(۱).

۲- قرآن در مواردی احکام شریعت را بصورت عموم مطرح می‌کند، و تخصیص آنرا به عهده سنت می‌گذارد. قرآن می‌گوید که فرزندان از والدین ارث می‌برند، و سنت قاتل را از ارث بردن محروم می‌کند. قرآن برای برقراری امنیت جامعه به بریدن دست دزد فرمان می‌دهد و سنت قیمت چیز دزدیده شده، و مقدار دستی که باید بریده شود را مشخص می‌کند.

۳- چه بسا در فهم برخی آیات سوء تفاهمی ایجاد می‌شود، که سنت آنرا تصحیح می‌کند.

وقتی خداوند متعال فرمودند: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الأنعام: ۸۲] «آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی آنها راست و هم آنها حقیقتاً هدایت یافته‌اند».

۱- وروی ابن المبارک عن عمران بن حصین أنه قال لرجل: إنك رجل أحقق أتجد الظهر في كتاب الله أربعة لا يجهر فيها بالقراءة! ثم عدد عليه الصلاة والزكاة ونحو هذا ثم قال: أتجد هذا في كتاب الله مفسراً! إن كتاب الله تعالى أبهم هذا وإن السنة تفسر هذا.

مؤمنان را وحشت برداشت که همه انسانها حداقل اگر به کسی دیگر نه، گاهی به خود ظلم می‌ورزند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - این فهم را تصحیح نموده فرمودند: ظلم در این آیه شرک و رزیدن به خداوند متعال است.

۴- و چه بسا پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - احکام و دستوراتی را که قرآن بدانها اشاره نکرده است، را برای مسلمانان وضع می‌کند. مثلاً؛ قرآن از محارمی که ازدواج با آنها درست نیست، سخن گفته، و حرفی از خاله و عمه‌ی زن نزده، سنت این مورد را به عنوان قانون و تشریع مستقلی به مؤمنان امر می‌کند که جایز نیست مردی در یک زمان خانمی و خاله‌اش و یا عمه‌اش را به عقد ازدواج درآورد!

و سنت قانون برابری تحریم هم‌شیری با تحریم نسب را وضع کرده است: «يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» (رواه البخاری).

و سنت بسیاری دیگر از قوانین شرعی چون زکات فطر و حرام بودن گوشت الاغ و حیواناتی که ناب (نیش) دارند را بصورت کاملاً مستقل وضع کرده است.

با توجه به آنچه عرض شد ما در دین خود نمی‌توانیم افرادی با پلاکارد «قرآنی» داشته باشیم، بلکه شعار و محتوای دین عبارت است از قرآن و سنت.. کتابی که از آسمان آمده و معلم و استادی که خداوند او را برای رساندن و شرح کتاب خود تربیت و راهنمایی نموده است. نامه و پیک آسمان هر دو با هم اساس شریعت خداوند می‌باشند. و یکی بدون دیگری نمی‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد..

انتظار می‌رود دوستانی که در میانه راه مانده‌اند، باز خورجین معرفت بگیرند و با همت و جرأتی که از زیر بار خرافات تشیع صفوی توانست آنها را نجات دهد راهشان را ادامه دهند تا به سر منزل سعادت، بدانجایی که رسول پاک پروردگار نقش پای خود را نهاده برسند...